

حقوق بشر دوستانه در آموزه مهدویت

حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی ابراهیمی^۱

تاریخ تحویل: ۱۳۸۷/۶/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۰/۲۰

چکیده

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، یکی از موضوعات مهم جهان معاصر به شمار می‌آید. این حقوق که پس از تصویب سران کشورهای جهان، وارد حقوق بین‌الملل شده، در واقع دستاورد تفکر بشری می‌باشد. در سطح جهانی، نهادهای مردمی ملی و بین‌المللی از آن حمایت کرده و سازمان ملل، برای تثبیت آن می‌کوشد. همایش‌های علمی زیادی در کشورها برپا می‌شود و پژوهندگان به نقد و بررسی آن می‌پردازند. آیا این حقوق، می‌تواند رنج‌های بشر را در حد قابل قبول بکاهد؟ به اعتراف محققان، هنوز چنین توفیقی حاصل نشده است.

فرضیه پژوهش حاضر، اثبات این ادعا است که آموزه مهدویت، در این راستا قابل ارائه می‌باشد؛ پس می‌توان پرسید که آیا در پرتو آن، می‌توان رنج جامعه انسانی را تا حد مطلوب کاست؟ بنابراین پرسش اصلی این است که آیا در آموزه مهدویت، تأمین حقوق بشر دوستانه بین‌الملل قابل دستیابی است یا نه؟ مطالعه منابع آموزه مهدویت، بیانگر این واقعیت است که اهداف حقوق بشر دوستانه در قالب آن، قابل وصول می‌باشد؛ به این دلیل که در آموزه مهدویت، بر کناره‌گیری از بحران‌های محتمل سفارش شده، باقی ماندن بر سنت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مورد تأکید است. همچنین رشد عقلانی جامعه پایان تاریخ، موجب شناخت سریع منجی شده و در نهایت، ایمان به آن امام عدل‌گستر، زمینه‌های نجات بشریت را فراهم می‌کند. در نتیجه اگر جنگی هم

۱. محقق و پژوهشگر مباحث مهدویت.

صورت گیرد، طی آن، به وسیله اجتناب از روی آوری به منازعات بین‌المللی و نیز با حاکمیت اصول دین و کسب فضایل اخلاقی، شناخت به موقع امام منجی و پذیرش دعوت ولی عصر علیه السلام کرامت انسانی حفظ شده و حقوق بشر دوستانه به بهترین وجه ممکن تأمین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر دوستانه، حقوق بین‌الملل، آموزه مهدویت، بحران جهانی، ظهور منجی.

مقدمه

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در شرایطی به جود آمد که در سال ۱۸۵۹م جنگ خانمان سوزی در منطقه‌ای به نام «سولفرینو» میان امپراتور اتریش و لهستان در گرفته بود. عده زیادی از مردم و سربازان، کشته و شمار زیادی هم مجروح شده بودند. در همان حادثه، تاجری به نام «هنری دونان» در جبهه حضور یافته و پس از مشاهده صحنه‌های ناراحت کننده با کمک اهالی منطقه به مدد مجروحان می‌شتافت. وی در نهایت، کتابی به نام «خاطرات سولفرینو» می‌نگارد و در آن، دو پیش نهاد مطرح می‌کند:

۱. از دولت‌های جهان می‌خواهد که در هر کشور، گروه‌های امدادگر داوطلب تأسیس گردد و به آنان آموزش داده شود که در صورت وقوع جنگ، بتوانند به مصدومان، امدادسانی کنند.

۲. کشورهای جهان، قوانین و مقرراتی را وضع کنند که هنگام امدادسانی، این گروه‌ها با خطر مواجه نشوند و از تعرض گروه‌های مسلحانه مصون بمانند. هر دو پیشنهاد، از سوی جامعه بین‌المللی پذیرفته شد که در نهایت به تأسیس «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (CRC)» انجامید.^۱

از آن روز تا کنون، فعالیت‌های گوناگونی صورت گرفته است. در ادامه این

۱. احمد علی نور بالا، مجموعه مقالات همایش نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و حقوق بشر دوستانه، تهران، کلام شیدا، ۱۳۸۵ش، ص ۵.

عملکرد، انسان‌ها به دنبال بهترین‌ها می‌باشند، سیر تکاملی خود را طی می‌کنند، می‌خواهند به اوج تعالی برسند، شعورشان به این جا رسیده است که با وضع مقررات و قواعد کاربردی، از پیدایش صحنه‌های رقت‌بار خونین جلوگیری کنند، راهکاری مترقی برای آینده صلح‌آمیز داشته باشند و از جریحه‌دار شدن احساسات عمومی جلوگیری کنند. آنان، در این راستا، تشخیص داده‌اند که قواعد حقوقی بشردوستانه، شایسته‌ترین راه و مؤثرترین اقدام خواهد بود. چون انسان‌ها از جنگ و آثار خونبار آن، گریزانند، نمی‌خواهند ایام عمر خود را با تماشای فجایع انسانی سپری کنند. با توسعه رسانه‌های جمعی، اکنون چیزی از نگاه دقیق و جسورانه خبرنگاران مخفی نمی‌ماند. پخش تصاویر پر حادثه و مرگبار، تأسف آور است، و دیدن آن، رنج آور است؛ لذا اقدامی می‌طلبد و حرکتی می‌خواهد. حقوق بشردوستانه، ثمره خیراندیشی بشر است و آخرین دستاوردهای تدبیر خردمندانۀ آنان می‌باشد.

آرمان‌گرایی، دستیابی به ناب‌ترین طرح صلح‌آمیز و رسیدن به جامعه‌عاری از هرگونه ستیزه‌جویی و ستمگری، از آرزوهای بلند بشری می‌باشد. قطعاً انسان فردا، به آنچه بشر دیروز تقدیم کرده است، قناعت نمی‌کند و جست و جو در این راستا ادامه یافته و تا سرحد کمال مطلوب استمرار خواهد یافت. از آن‌جا که دین اسلام، جهانی و کامل است، قادر به تأمین نیازهای مادی و خلائهای معنوی و نیز اداره جهانیان می‌باشد؛ چون سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها در آن گنجانده شده و نسخه کاملی برای سیر تکاملی بشریت است.

شاید سؤال شود در چه قالب و ظرفیتی می‌توانیم آن را به دنیای تشنه حقیقت تقدیم کنیم؟ ممکن است بهترین راه، عرضه آن، در قالب آموزه‌های مهدویت باشد؛ چون هم پیشوای آن، الگویی بی‌مانند برای مردم جهان است و هم اهداف آن، نیاز جهانی را پاسخگو می‌باشد. با این وصف، سؤال اصلی این خواهد بود که آیا حقوق بشردوستانه در پرتو آموزه‌های مهدویت قابل تأمین است؟ به عبارت دیگر، آیا اندیشه مهدی‌گرایی می‌تواند موجب رفع نگرانی جهانی شده و جرقه‌های امید را

برای جهانیان به ارمغان آورد؟ از آن جا که جهانیان تشنه حقیقت اند و می کوشند در شعاع آن بر اهداف آرمانی خود دست یابند و اندیشه مهدویت نیز در پاسخ به همین خواست های عمومی فراگیر قابل تبیین می باشد، پرسش فوق مطرح می شود و اگر حرفی برای گفتن باشد، در این قالب، قابل طرح و ارائه خواهد بود.

برای ارائه پاسخ به سؤال فوق، لازم است اول، حقوق بشردوستانه شناخته شده، ارکان و اهداف آن، ارزیابی گردد. آن گاه آموزه مهدویت تعریف، معارف آن، شناسایی و حقوق بشردوستانه بر آن عرضه شود، تا امکان پاسخگویی به سؤال فوق فراهم شود.

مفهوم حقوق بشر دوستانه

در تعریفی بسیار مختصر از حقوق بشردوستانه آمده که: «حقوق بشردوستانه بین المللی، شامل مجموعه ای از قواعد بین المللی است که هدف آن، محدود کردن آثار جنگ نسبت به مردم و اهداف جنگی است»^۱. در تعریف دیگر می خوانیم: «حقوق بشردوستانه، شاخه ای از حقوق بشر است که در منازعات مسلحانه بین المللی و در برخی اوضاع و احوال معین و محدود در منازعات مسلحانه داخلی مورد استفاده قرار می گیرد»^۲.

اما این که بین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه چه تفاوتی می توان قائل شد، باید گفت «حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر، دو شاخه جداگانه از حقوق بین الملل می باشند که اهداف مشترکی را دنبال می کنند. حقوق بشردوستانه بین المللی، دربارهٔ مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی اجرا می شود. حقوق بشر، مجموعه قواعدی را در بر می گیرد که هدف آن، بهبود وضعیت فرد در جامعه است؛ ولی هدف اصلی هر دو (در هر شرایط) حمایت و پاسداری از کرامت

۱. کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، رعایت حقوق بشر دوستانه بین المللی، تهران، بهار ۱۳۸۳، ص ۲۹.

۲. عبد الحکیم سلیمی، نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷.

انسانی عنوان شده است. همچنین در یک تعریف مفصل تر آمده است: «حقوق بشردوستانه، اصول و قواعدی است که استفاده از خشونت را در زمان منازعات مسلحانه محدود می کند و هدف آن، عبارت است از: حمایت از افرادی که مستقیماً درگیر جنگ نیستند یا دیگر درگیر جنگ نیستند؛ یعنی بیماران، زخمی ها، کشتی شکسته ها، اسیران، افراد غیر نظامی، و محدود کردن آثار خشونت در جنگ برای دستیابی به اهداف جنگ، پرهیز از انتقام جویی، آزار و اذیتی که تأثیری در اهداف جنگ ندارند»^۱.

از مجموع یافته های فوق استفاده می شود که «به مجموعه ای از اصول و قواعدی که در کنوانسیون های چهارگانه و پروتکل های الحاقی آمده است، حقوق بشردوستانه بین المللی گفته می شود». محتوای این کنوانسیون ها، شامل حمایت های انسانی ای می شود که از سربازان، نظامیان، زخمی شدگان، بیماران، اسرای خلع سلاح شده یا آنان که خود داوطلبانه معرکه نبرد را ترک کرده اند و نیز کسانی که در جنگ های دریایی در دریا گرفتار آسیب شده که به کشتی شکستگان یا غریقان معروف می باشند، و افراد غیر نظامی، بی طرف و کسانی که هیچ گونه دخالتی در جنگ ندارند انجام می گیرد. قصد کشورهای تصویب کننده از وضع حقوق بشردوستانه، کمک به نیازمندان معرکه نبرد بوده است؛ اعم از این که رزمنده باشند یا افراد معمولی؛ لذا در ماده دوم کنوانسیون اول لاهه درباره جنگ های زمینی به صراحت ذکر شده که وقتی گروهی از مردم، به قصد دفاع از محل زندگی و شهر خود، برابر نیروهای مهاجم آماده دفاع می شوند - هر چند دوره های منظم آموزشی را سپری نکرده اند - اگر آشکارا اسلحه گرفته و اصول حاکم بر جنگ را رعایت می کنند از مزایای سربازی برخوردار خواهند بود و اگر اسیر شوند، باید با آنها مانند اسرای جنگی برخورد شود.^۲ اسرای جنگی نیز بر اساس کنوانسیون سوم لاهه، دارای

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسین مهرپور، *نظام بین المللی حقوق بشر*، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۳ش، ص ۲۴۶.
۲. مهرداد رضائیان، مترجم، *حقوق بین الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات*، (مجموعه کنوانسیون های لاهه و ...)

حقوق و مزایای خاص هستند که بر کشور اسیرکننده لازم است آن حقوق شناخته شده بین‌المللی را در حق آنان رعایت کند؛ بنابراین مفهوم حقوق بشردوستانه چیزی فراتر از نیازهای اولیه انسانی در درگیری‌های اجتناب‌ناپذیر یا غیرضروری نمی‌باشد و احساس بشری حکم می‌کند که از افرادی که اکنون آسیب پذیر شده‌اند، حمایت انسان دوستانه به عمل آید.

رکن قانونی حقوق بشردوستانه

مبنای قانونی حقوق بشردوستانه بین‌الملل، چهار کنوانسیون به شرح ذیل است که پس از سال‌ها رنج بی‌امان ناشی از تهاجم‌های بنیان‌کن به دست آمده و در سال ۱۹۴۹م توسط کشورهای جهان به تصویب رسیده است.

- کنوانسیون مربوط به جنگ‌های زمینی و مجروحان ناشی از آن.
 - کنوانسیون مربوط به منازعات دریایی، کشتی شکستگان و غریقان.
 - کنوانسیون مربوط به اسرای جنگی.
 - کنوانسیون مربوط به اشخاص و اموال بی‌طرف و افراد غیر مرتبط باجنگ.
- و دو پروتکلی که در سال ۱۹۷۷م به آن‌ها الحاق شده است.^۱
- از آن‌جا که همه گرفتاری انسان‌های روی زمین، تنها ناشی از جنگ بین دو یا چند کشور نمی‌باشد و گاهی آتش افروزی‌های داخلی (منازعات مسلحانه درون مرزی) نیز به حدی دردناک می‌باشد که احساسات و عواطف جهانی را جریحه‌دار می‌کند، برای جلوگیری از چنین پیشامدهایی یا کنترل آن، تلاش فراوان صورت گرفته است. نتیجه آن، با تصویب ماده سه مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل‌های الحاقی آن به ثمر نشسته است. با این‌که به نظر حقوق‌دانان این، کم‌ترین دستاورد تلاش‌های انجام شده بود؛ ولی خود، عاملی است تا به وسیله آن و

→

برخی اسناد بین‌المللی دیگر، تهران، سرسم، ۱۳۸۳ش، ص ۲۵.
۱. کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، پیشین، ص ۳۷.

با حفظ اصل حاکمیت درون مرزی و صلاحیت‌های سرزمینی به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل باز هم بتوان کاری برای نجات توده مردم انجام داد و در جهت مهار قدرت بلا منازعه حاکم، قدم‌هایی برداشت.^۱

این معاهدات، از زمان تصویب و اجرا تا کنون، در مخاصمات و منازعات بشری مورد استفاده بوده و در مواردی که محاکمه عادلانه مرتکبان جنایات در دادگاه‌های داخلی ممکن نباشد، یا کشوری نخواهد مرتکبان را به پای میز محاکمه بکشد، مبنای حکم دادگاه کیفری بین‌المللی می‌باشد.^۲ چون دادگاه کیفری بین‌المللی دارای صلاحیت تکمیلی می‌باشد.^۳

با این که وجود این مقررات در درگیری‌های بین‌المللی نقش مهمی ایفا کرده است، هرگز موفق بر ریشه کن کردن رنج‌های فزاینده بشری نشده است. هنوز بشریت راه درازی برای امن کردن جهان در پیش دارد و با توسعه روز افزون جنگ افزارها، احتمال رسیدن به صلح پایدار بعیدتر می‌شود؛ اما در هر حال، این تلاش‌ها در جای خود، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. و ناکامی بشر دلیل چشم پوشی از تلاش بیشتر نخواهد بود.

اهداف و الزامات حقوق بشر دوستانه

باید گفت: مجموعه قواعد حقوق بشر دوستانه به طور جدی تلاش می‌کند از مردمی که در جنگ شرکت نداشته یا از آن دست کشیده‌اند، حمایت به عمل آورد؛ کسانی مانند غیر نظامیان، زخمی‌ها، بیماران، اسیران جنگی، کشتی شکستگان و امدادگران

۱. جمشید ممتاز و امیر حسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مخاصمات داخلی*، تهران. میزان، دوم، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷.

۲. از آن‌جا که اصل در رسیدگی کیفری، صلاحیت محلی است؛ یعنی جایی که جرم در آن واقع شده است، دادگاه‌های آن‌جا صلاحیت ذاتی رسیدگی را دارند. حال اگر کشور محل وقوع جرم توان رسیدگی را نداشت، یا خود نخواست افراد مجرم را محاکمه کند، (ممکن است مجرم افراد شماره یک نظام باشد) دادگاه بین‌المللی کیفری بر ضد آنان اعلام جرم خواهد کرد، یا ممکن است پرونده از سازمان‌های بین‌المللی یا از کشور محل وقوع جرم به این دادگاه ارجاع شود. صلاحیت تکمیلی به این معنا است.

۳. حسین میر محمد صادقی، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۳ش، ص ۵۰.

پزشکی و مذهبی. نیز حمایت از بیمارستان‌ها، آمبولانس‌های امداد و اماکن فرهنگی را هم در دستور کار خود دارد.

به دلایل زیر، پیروی از حقوق مخاصمات مسلحانه ضرورت دارد:
 أ: این حقوق برای دولت‌ها و اشخاصی حقیقی که در قلمرو آن‌ها حضور دارند، الزام آور است. حقوق عرفی، مشتمل بر معیارهای معینی است که رعایت آن برای کلیه دولت‌ها اجباری است و حقوق قراردادی برای دولت‌های عضو آن معاهدات، لازم‌الاتباع است. در هر صورت، این مقررات دربارهٔ افراد ساکن در سرزمین دولت‌های مذکور نیز اعمال می‌شود.
 ب: نقض فاحش حقوق مخاصمات مسلحانه به منزلهٔ یک جنایت جنگی تلقی شده و در محاکم داخلی یا دادگاه کیفری بین‌المللی قابل تعقیب جزایی می‌باشد.

ج: تبعیت از این حقوق، پیامدهای زیر را در پی خواهد داشت:

۱. رفتار حرفه‌ای اعضای نیروهای مسلح را مورد تأکید قرار می‌دهد.
۲. روحیهٔ خوب و انضباط را افزایش می‌دهد.
۳. حمایت از سکتهٔ غیر نظامی در منازل آنان و همچنین در صحنهٔ عملیات را تضمین می‌کند.
۴. رفتار متقابل را در قبال مجروحان، بیماران و اسیران جنگی، امکان‌پذیر می‌سازد.
۵. امکان بازگشت صلح را بهبود می‌بخشد و عناد ورزی را کاهش می‌دهد، بدون آن‌که به بی‌ثباتی اوضاع بینجامد.
۶. تضمین خواهد کرد که اقدامات نظامی صرفاً بر شکست نیروهای نظامی دشمن متمرکز باشد.^۱

اهمیت و ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه بین‌المللی نزد جامعه جهانی بسیار مهم تلقی شده است. به دلیل این که هیچ معاهده بین‌المللی به اندازه تصویب کنوانسیون‌ها و پروتکل دوگانه آن، مورد توجه دولت‌ها واقع نشده است. استقبال وسیع کشورها و اشتیاق به امضای این

۱. آنتونی پ و راجرز پل مالرب، کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش، ص ۳۸.

معاهدات، بهترین دلیل اهمیت و اعتبار آن خواهد بود. پس از اجرایی شدن مقررات مربوط به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، جهان، شاهد تأثیر‌گذاری و موفقیت این معاهدات بوده و حتی در برخی مناطق که درگیری بین‌المللی یا داخلی پیش آمده، واکنش سریع کشورها را در پی داشته است؛ مانند حمله عراق به کویت و درگیری‌های داخلی زمان حکومت طالبان در افغانستان.

تفکر صلح جهانی که اکنون در قالب جهانی شدن (نه جهانی سازی اقتصادی) دنبال می‌شود، میان ملت‌ها ریشه فلسفی، اعتقادی و فرهنگی دارد و شاید باور روشنفکران و فرهیختگان جهان این باشد که در چارچوب حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، رسیدن به آرمانشهر بشری ممکن باشد؛ بنابراین، اگر ما از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی چنین برداشتی به عمل آوریم، امیدواری به آینده مطلوب زیاد خواهد بود؛ همان طور که خود واضعان حقوق بشر دوستانه نیز به این امر توجه داشته و الزاماتی را برای تضمین این بخش از حقوق بین‌الملل در نظر گرفته‌اند که شامل موارد زیر می‌شود:

- دولت‌ها تعهد دارند با جرایم جنگی و موارد نقض فاحش برخورد کنند.
- دولت‌ها ملزم هستند از طریق فرماندهان ارشد خود، تضمین کنند که مقررات مفصلی برای اجرای کنوانسیون ژنو در باره افراد مجروح وضع شود. حتی مواردی که در کنوانسیون‌ها پیش بینی نشده هم مورد توجه آنان باشد. و افراد براساس اصول کلی مندرج در کنوانسیون‌ها هدایت شوند.
- دولت‌ها وظیفه دارند متن کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو را در وسیع‌ترین سطح ممکن در زمان صلح و نیز در زمان جنگ منتشر کنند؛ به گونه‌ای که همه مردم بتوانند از آن‌ها مطلع شوند.
- دولت‌ها متعهد هستند کنوانسیون‌های ژنو را به اعضای نیروهای مسلح خود به ویژه پرسنل پزشکی، روحانیان و افراد مسؤول امور اسرای جنگی بیاموزند. همچنین کلیه مقامات نظامی، کشوری و مسؤولان اجرایی را موظف می‌کند که با متن آن آشنایی داشته باشند.

- دولت‌ها ملزم هستند با یاری جمعیت‌های صلیب سرخ یا هلال احمر ملی، افراد واجد شرایطی را برای کمک به اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو با تأکید ویژه بر فعالیت کشور حامی، آموزش دهند.^۱

تمام این آینده‌نگری‌ها، برای این صورت گرفته است که پایه‌های اصلی حقوق بشردوستانه محکم شود و تخلف از مقررات آن، به آسانی امکان پذیر نباشد؛ حتی کشورهای نیرومند هم نتوانند بدون مسئولیت و محکومیت از بار آن، شانه خالی کرده و از کنار آن به راحتی بگذرند.

آموزه مهدویت

از نظر واژه‌نگاران و اصطلاح‌شناسان، کلمه «آموزه» گاهی به معنای اعتقاد داشتن به یک حقیقت، و زمانی هم به معنای تعلیم و آیین می‌آید و در هر دو صورت مترادف با واژه «دکترین»^۲ می‌باشد. این واژه، در معنای اول خود، دارای ساختار فلسفی و حکمت‌نظری است و در معنای دوم، جنبه کاربردی و حکمت‌عملی آن، افزون به نظر می‌آید.^۳ همچنین این کلمه در علوم مختلف به کار گرفته شده و معانی جداگانه‌ای از آن اراده می‌گردد. در علوم سیاسی، به معنای طرح است که در قالب دکترین تبلور می‌یابد (مانند دکترین برژنف).^۴ در علوم تجربی نیز به معنای نظریه می‌آید که روند ثبوتی خود را طی می‌کند و به مرحله اثبات نرسیده است. و از نظر ادیان و مذاهب به معنای آموزه‌های مذهبی و کلامی بوده و کاربرد تعلیمی دارد (حکمت عملی در مقابل حکمت نظری).^۵

۱. همان، ص ۳۱۵.

۲. Doctrine.

۳. علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۳ ش؟؟؟.

۴. محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، علم، سوم، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۰۹.

۵. واژه آموزه، یک اصطلاح نوپیدا است و در فرهنگ کهن پارسی اثری از آن یافت نمی‌شود. در فرهنگ‌های نوین، کلمه دکترین و آموزه، مترادف هم دانسته و ترجمه شده و این طور فهمیده می‌شود که این دو کلمه به یک معنا باشد. در عین حال، درباره آن، تفصیل قابل توجه انجام نگرفته و جای بحث دارد. به ناچار با فقدان تفصیل در فرهنگ‌های معتبر، ناگزیریم از فرهنگ سیاسی بهره ببریم، هرچند که حقوق و علوم سیاسی اخیراً از هم منفک شده و در سابق یک رشته را تشکیل می‌دادند.

بعضی از مؤلفه‌های دینی دارای محوریت هستند که از آن‌ها به آموزه‌های اعتقادی تعبیر می‌شود. از اعتقاداتی که در اسلام، از منزلت و مقام اصیل برخوردار است، نظریه مهدویت می‌باشد که قابلیت انطباق با نظریه «موعود یا منجی گرایی»، «نجات یا رستگاری» و «هزاره گرایی» را در دیگر ادیان دارد؛^۱ بنابراین، منظور از آموزه مهدویت، مجموعه آموزش‌هایی است که به گرد محور مهدویت می‌چرخد و در منابع اصلی اعتقادی مسلمانان (قرآن و روایات) بیان شده و بر محوریت تفکر مهدی گرایی قابل تبیین می‌باشد؛ برای نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».^۲ در روایات فراوان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «روزها و شب‌ها نگذرد [و دنیا پایان نپذیرد] تا این که خداوند، مردی از خاندان مرا برانگیزد که همنام من است، و زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان‌گونه پر از ظلم و ستم شده باشد».^۳

اگر برای چنین نظریه‌هایی که در منابع دینی اسلام وارد شده است، محملی یافت نشود، لغو بودن لازم می‌آید و چون خلف وعده از حکمت حکیم، عقلاً به دور است لازم است در تبیین آن، بر اساس اصول کلی و باورهای دینی به عنوان راهکار عملی برای تمام اعصار و جوامع اهتمام شود، تا اگر حرفی برای گفتن باشد، در این ظرفیت برای جهانیان عرضه گردد؛ نه این که فقط برای مقطع پس از پیروزی منجی باشد، تا این اشکال پیش آید که در آن زمان جنگی نیست تا حقوق بشر دوستانه موضوعیت پیدا کند. به هر حال حقوق بشر دوستانه در پیش از ظهور و نیز هنگام ظهور، موضوعیت دارد، به این دلیل که در این دو ظرف زمانی، جنگ اتفاق

۱. سید رضی موسوی گیلانی، *دکترین مهدویت*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۴ ش، ص ۶۱.

۲. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» قصص (۲۸): ۵.

۳. «لَنْ نَقْضِيَ الْآيَامَ وَاللَّيَالِيَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَوَاطِي أَسْمُهُ اسْمِي يُلَوِّهََا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ نور الدین ابی بکر الهیثمی، *بغیة الباحت*، بی‌جا، بی‌تا، دارالطلائع، باب ۱۵، ح ۷۸۹، ص ۲۴۸؛ شیخ مفید، *الإفصاح فی الإمامة*، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۰۲.

می‌افتد؛ بنابراین، منظور از کارایی آموزه مهدویت، خصوص هنگامه ظهور نمی‌باشد؛ بلکه تأثیر فراتر از آن، یعنی قبل از ظهور و در حین ظهور مورد نظر است.

معارف مهدویت

برای یافتن پاسخ سؤال مطرح شده در این پژوهش، ناگزیر از ارائه اجمالی معارف مهدویت هستیم تا امکان عرضه حقوق بشر دوستانه بر آن فراهم شده و اثبات فرضیه تحقیق ممکن گردد. براساس منابع اصیل اسلامی، معارف مهدویت در بردارنده مطالب زیر می‌باشد:

بخشی از آموزه مهدویت، به اصل اعتقاد به منجی، ضرورت طرح مباحث درباره آن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام مربوط می‌شود. نیز اعتقاد به این که چنین شخصی متولد شده و اکنون نیز زنده است و در امور زندگی شیعیان خود، تأثیر گذار می‌باشد. قسمت دیگر این آموزه، در بردارنده انتظار موعود است که در ادیانی مانند یهودیت، مسیحیت، زرتشتیان، هندوئیسم، بودیسم و اسلام در باره آن نوید داده شده است. شیعه امامیه اعتقاد راسخ دارد که شخص موعود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و دیگر ویژگی‌های آن امام همام از قبیل لقب، نام، طول عمر، خصوصیات جسمانی و شمایل ظاهری آن را نیز برمی‌شمارند.

غیبت، بخش دیگر از معارف مهدویت را تشکیل می‌دهد، که در این زمینه سخن بسیار است. متفکران تلاش دارند مفاهیم غیبت صغرا و کبرا، علل اصلی و فواید آن را بیان کرده و زندگی امام غایب، اماکن منسوب به آن، ارتباط با امام و وظایف منتظران را تبیین نمایند. نیابت از امام زمان علیه السلام، اوضاع جهان پیش از ظهور، نشانه‌ها، شرایط، و زمینه‌های ظهور هم بخش دیگر از آموزه مهدویت است که دانستن آن، ضرورت مضاعف دارد.^۱ مباحثی مانند رجعت، آگاهی از عصر ظهور، شناخت مدعیان دروغین و آسیب شناسی تفکر مهدویت را هم نمی‌توان از نظر دور داشت.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبة*، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق، باب ۹، ص ۱۴۰.

همین طور اعتقاد به این که تفکر مهدویت، اندیشه ایستا نیست و به دوره خاص مربوط نمی‌شود. یاران آن حضرت در طول تاریخ، افرادی هستند که آمده و رفته‌اند و خواهند آمد. نفس زندگی امام مهدی علیه السلام در پشت پرده غیبت، تأثیرگذار بوده و در عرصه حیات معتقدان خود نقش آفرینی می‌کند و این، جزء لاینفک این معارف می‌باشد. نفس این باور، نیرو بخش بوده و به پیروان خود انگیزه می‌دهد که زی انسانی داشته، در پی کسب معرفت و معنویت باشند و در حیات مادی خود، نوع دوستی یا بشر دوستی را از یاد نبرند.

مبنای این تفکر، خدا محوری است. انسان محوری و اصالت اومانیستی که برخاسته از اندیشه لیبرالیسم است، نفی می‌شود. انسانیت را در دایره توحید، ارزش گذاری کرده و به انسان موحد، بها خواهد داد. حرکت بر اساس عدالت، آزادی، اندیشه سالم و مثبت فکر کردن، از دیگر آموزه‌های معارف مهدویت است. نیز می‌توان گفت: این تفکر در پی گسترش وحدت دینی، مذهبی و اعتقادی است؛ ولی نه از طریق زور و قدرت نمایی، (دست کم در دوره قبل از ظهور) بلکه به وسیله به کارگیری مجادله احسن و اقناع منکران آن.^۱ در نهایت نیز ظهور منجی است که با تشکیل حکومت بی‌بدیل، صلح تمام عیار و امنیت کامل را در سطح جهان برقرار خواهد کرد.

تأمین حقوق بشر دوستانه در آموزه مهدویت

اکنون وقت آن رسیده که حقوق بشر دوستانه بین الملل را بر آموزه مهدویت عرضه کرده و فرضیه پژوهش خود را اثبات نماییم. برای این منظور، در چند گفتار، بحث را دسته بندی و ارائه خواهیم کرد. در این نوشته، منظور از تأمین حقوق بشر دوستانه در آموزه مهدویت، خصوص عصر غیبت یا هنگامه ظهور و پس از برپایی حکومت عدالت محور امام عصر علیه السلام نیست؛ بلکه نگاه جامع در پرتو این تفکر مورد اهتمام می‌باشد.

۱. محدث اربلی، کشف الغمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۴۳۶.

گفتار اول: ناکامی حقوق بشردوستانه بین‌الملل

پیش‌تر روشن شد که حقوق بشردوستانه، در پی اثبات حق و باطل بودن جنگ نیست. رعایت این حقوق، دربارهٔ دولی که معاهدات را امضا نکرده‌اند جنبهٔ عرفی دارد و دربارهٔ کشورهایی که قرارداد را امضا کرده‌اند، معاهده‌ای لازم الاجرا است. حقوق بشردوستانه، می‌کوشد در شرایط خاص جنگی، آلام بشری را کاهش داده و افراد غیر دخیل در اصل نزاع را یاری کند. افراد آسیب‌پذیر مانند زنان، اطفال، سالخوردگان، اموال و اماکن فرهنگی نیز مورد پشتیبانی قرار خواهند گرفت. اکنون سؤال این است که آیا بسنده کردن به همین میزان، موجب رفع انبوه مشکلات جهانی می‌شود؟

پاسخ، منفی است؛ چون مطالعات تاریخی و تجارب جهانی، حاکی از آن است که تلاش‌ها در این راستا ثمره قابل توجهی نداشته و موجب کاهش چشمگیر معضلات بین‌المللی نبوده است. این، حقیقتی است که نویسندگان مهد حقوق بشردوستانه^۱ به آن اعتراف دارند و در نوشته‌های آنان انعکاس یافته است. تئودور مروون^۲ می‌نویسد:

همان‌طور که می‌دانیم، تصویب همه این اسناد، هنجارها و استانداردها به وضعیت نقض شدید حقوق بین‌المللی بشر و هنجارهای بشردوستانه پایان نبخشیده است. حتی تأسیس غیر منتظرهٔ دادگاه بین‌المللی جرایم برای یوگسلاوی سابق و رواندا، به این تخلفات پایان نداده است. بدیهی است جامعه بین‌المللی در یافتن راه‌های مؤثر برای حمایت از حقوق بشر - به ویژه در شرایط منازعات داخلی - موفق نبوده است.^۳

این، حقیقتی است که روشن بوده و نیازمند استدلال نمی‌باشد؛ پس برای تأمین هرچه بهتر کلیه حقوق بشری، طرح راهبردی مؤثری لازم است، تا حقوق بشردوستانه

۱. یعنی کشورهای غربی که خود را مبتکر طرح و تأسیس حقوق بشردوستانه می‌دانند. (اگر این ادعا درست باشد، دول غرب مهد حقوق بشردوستانه است و الا صرف ادعا خواهد بود).

۲. Theodor Meron.

۳. تئودور مروون، ترجمه: سالله حبیبی امین، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، تهران، گرایش، ۱۳۸۲ش، ص ۱۵۱.

هر چه کامل تر فراهم شود. آموزه مهدویت، در این باره مناسب ترین پیشنهاد می تواند باشد؛ بنابراین نباید این مواهب از جامعه بشری دریغ شود.

گفتار دوم: حقوق بشردوستانه در عصر انتظار

در عصر انتظار موعود، دنیا شاهد جنگ های ویرانگر بوده و خواهد بود. حقوق بشردوستانه بین المللی، بر اساس همین واقعیت ها بنیانگذاری و تأسیس شده است. هر چند که در خود کنوانسیون ها ذکر نشده است، این حقوق دو بخش دارد: «بخش عملی» که در زمان جنگ، باید از آن استفاده شود تا موجب امنیت و کاهش آلام ناشی از صحنه نبرد گردد. بخش دیگر آن، مربوط به زمان صلح است که تلاش می شود برای آگاهی از مقررات این حقوق در عرصه جهانی فعالیت شود. اکنون در قالب برگزاری همایش حقوق بشردوستانه، این هدف تعقیب شده و در کشورهای مختلف برای رساندن پیام آن، این روش به کار گرفته می شود.

در آموزه مهدویت، حفظ حقوق بشردوستانه در عصر انتظار به این صورت امکان پذیر است که مردم اصولاً به فکر جنگ نباشند و جنگ را کنار بگذارند؛ بنابراین وقتی جنگی در جهان نباشد حقوقی از کسی ضایع یا تباه نمی شود. روایات در این باره فراوان است. نعمانی روایاتی را ذکر می کند که به شیعه دستور می دهد [در عصر غیبت] بردبار باشد و در انتظار فرج بماند و در امر خداوند و تدبیر او، شتاب زدگی نکند. امام صادق علیه السلام فرمود: «زبان های خود را نگه دارید و در خانه های خود بنشینید؛ چیزی دامنگیر خصوص شما نشود؛ بلکه همگانی باشد». ^۱ یعنی این یک فتنه جهانی است؛ ولی با خانه نشینی و عدم دخالت، می توان از شر آن مصون ماند. باز حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس که از بودن در شمار یاران امام قائم شادمان است، باید در انتظار باشد و با همین حال انتظار، به پرهیز و اخلاق نیکو رفتار

۱. «كُفُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزُّمُوا بُيُوتَكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تُخْصُونَ بِهِ أبدأً وَ يُصِيبُ الْعَامَّةَ»؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، پیشین، باب ۱۱، ح ۷، ص ۱۹۷.

کند».^۱ بنابراین با اشاعه و گسترش تفکر کناره‌گیری از جنگ، می‌توان به تأمین حقوق بشردوستانه در عصر انتظار کمک کرد. شاید به همین علت باشد که فقها، جهاد ابتدایی را در عصر انتظار واجب نمی‌دانند و جنگ را فقط در حد دفاع مجاز می‌شمارند.^۲

البته مفهوم فرمایش امام علیه السلام این نیست که منزوی و گوشه‌گیر باشیم. آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم واژه «انتظار» استفاده می‌شود، این است که انتظار، در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و پیشرفت، بیداری و بقای جامعه و بالآخره عامل حرکت، جنبش، دفاع از عقاید تاریخ ساز و انقلاب آفرین اسلامی بوده و بذریه اصلی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام در دوره انتظار کاشته خواهد شد.^۳ همان روشی که پیامبر صلی الله علیه و آله در عصر بعثت در پیش گرفت. آن حضرت، برابر تمام فشارها و ستمگری‌ها مقاومت کرد و فقط به هدایت و دعوت مردم اهتمام ورزید و مقابل همه حرمت شکنی‌ها، زجرها و شکنجه‌ها صبر نمود. «خود اصل پرهیز و اجتناب، یکی از اصول زندگی سالم بشر است؛ مثلاً کلمه توحید، یعنی «لا اله الا الله» مجموعاً نفی و اثبات است. بدون نفی ما سوا الله، دم از توحید زدن ناممکن است». ^۴ با این وصف، دیگر جای نگرانی نیست که دغدغه زیر پا گذاشتن حقوق بشردوستانه در این آموزه فکری ابراز شود و مردمان جهان از این تفکر هراسان گردند. البته امروزه برخی با تصورات نادرست و چه بسا مغرضانه از امام عصر علیه السلام تصویری خشن و غیر رأفت آمیز ترسیم می‌نمایند. از همین رو، نتایج پژوهش معارف مهدویت مهم است؛ چون ثمره آن، این توهم‌ها را از اساس زایل می‌کند و برغلبه همه سویه

۱. «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ همان، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.

۲. شیخ طوسی می‌نویسد: «و متی لم یکن الإمام ظاهراً، و لا من نصبه الإمام حاضراً، لم یجز مجاهدة العدو». «و تا هنگامی که امام علیه السلام ظاهر نباشد و کسی که منصوب امام علیه السلام است حاضر نباشد جهاد ابتدایی و جایز نیست»، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، *النهاية*، بیروت، دارالکتاب العربی، دوم، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۰.

۳. حسین عبدی پور، *نقش اجتماعی انتظار*، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۶ش، ص ۱۷.

۴. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، تهران، صدرا، چهارم ۱۳۸۰ش، ص ۵۰۳.

جوانب انسانی مهر تأیید می‌زند.^۱ حال اگر بنا باشد ثمره تفکر مهدویت، آثار و نتایج آن مخصوص روزگار پایانی تاریخ باشد، طرح و بحث آن در روزگار کنونی موضوعیت نخواهد داشت و اگر مربوط به همه اعصار باشد، باید ثمره ارزشمندی داشته باشد، تا بتوان در جهت سازندگی از آن استفاده کرد؛ بنابراین بدیهی است که رعایت کرامت انسان‌ها و حقوق بشردوستانه (مبتنی بر آیین توحیدی اسلام) تنها به امام عصر علیه السلام ختم نمی‌شود؛ بلکه یاران وی نیز عالم و عامل به این حقوق و مظهر آن در معاملات فردی و اجتماعی هستند؛ زیرا آنان، از خداوند و امامشان شناخت فراوان دارند و با آگاهی کامل، در میدان حق حضور خواهند یافت.^۲

گفتار سوم: روزگار قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام

جنگی که به ملاحم و فتنه‌های آخر الزمان مربوط می‌گردد، عامل اجتماعی دارد و ناشی از ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیست. جنگ و ناامنی آن دوره، برخاسته از فقر، خشک سالی‌های متمادی، گسترش جمعیت و فقدان منابع خواهد بود. امیرالمؤمنین علیه السلام چنین پیش‌بینی کرده است: «در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می‌شود، و چنگ و دندان نشان می‌دهد و با پستان‌هایی پر شیر که مکیدن آن شیرین است؛ ولی پایانی تلخ و زهر آگین دارد، به سوی شما می‌آید».^۳ بر این اساس، می‌توان گفت: اصل این واقعه، به عصر ظهور اختصاص ندارد. مگر ویرانی جنگ‌های اول و دوم جهانی کمتر از فتنه و آشوب‌هایی بود که در عصر ظهور ممکن است واقع شود؟ جنگ، همیشه و همه جا واقع می‌شود و خاصیت آن هم تخریب است. نقش آموزه مهدویت در این راستا، آن است که خود امیرالمؤمنین علیه السلام در پایان همین خطبه توصیه می‌کند: «پس باید بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باقی بمانید که برپا

۱. بهرام اخوان کاظمی، *نگرش‌هایی نوبه آموزه مهدویت*، قم، آینده روشن، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. «حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا تَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا حُلُوءًا رِضَاعُهَا عَلَقْمًا عَاقِبَتُهَا»؛ سید رضی، *نهج البلاغه*، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، خ ۱۳۸، ص ۱۹۵.

است، و بر آثار رسالت تکیه نمایید که آشکار است. به عهد نزدیکی که بسته‌اید، وفادار مانید که یادگار پیامبر، بر آن تکیه دارد. از این فرمایش‌های نورانی فهمیده می‌شود که اگر به اصول اسلامی و مقررات شرعی پایبند باشیم، از گزند حوادث مصون می‌مانیم. فلسفه انتظار، همین است که باید دین دار، دین مدار و دین محور بود و آموزه مهدویت، بر زیّ دینی تأکید دارد.

مفهوم این جملات، آن است که با ایمان و حفظ اصول دین، امکان رهایی وجود دارد؛ به همین دلیل است که وقتی انسان، ناامید می‌شود و می‌بیند با وجود این همه پیشرفت‌های فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباهی کشیده می‌شود و اختراعات و اکتشافات حیرت‌انگیز نتوانسته انسان را از سردرگمی برهاند، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و برای رفع ستم و بحران‌های روحی و معنوی خود از او کمک می‌جوید.^۱ پس حفظ حقوق بشردوستانه در این مقطع از تاریخ، به این وسیله است که مردم، راه دین داری و خدا پرستی را در پیش گیرند و با معارف دینی، خود را از آسیب روزگار نگاه‌دارند. همین‌ها اوصاف یاران مهدی علیه السلام در عصر ظهور است. ابن اعثم کوفی نقل می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «نیکی باد برایت ای طالقان! خدا را در آن‌جا گنج‌هایی است که از طلا و نقره نیست؛ بلکه آن گنج‌ها، مردان مؤمنی هستند که خدا را به خوبی شناخته‌اند. آن‌ها در آخر الزمان از یاران مهدی خواهند بود».^۲ پس، از نقش مثبت دین داری نباید غفلت کرد.

گفتار چهارم: هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام

اما هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام بالآخره این جنگ، قربانی‌های خود را می‌گیرد، جو ناامنی و رعب را ایجاد کرده، انسان‌ها را به چاره‌اندیشی وادار خواهد ساخت.

۱. محمد مهدی کریمی‌نیا، همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ش، ص ۳۴۳.

۲. «وَيَحْأُ لَكَ يَا طَالِقَانُ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا كُنُوزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَلَكِنَّ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ أحمد بن اعثم کوفی، الفتوح، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۲۰.

در همین هنگامه است که ندای ملکوتی یا هاتف آسمانی، آواز سر خواهد داد و به زبان هر قوم، آمدن مهدی علیه السلام را مژده خواهد داد؛ پس راه تأمین حقوق بشر و دستانه به این صورت خواهد بود که فکر و عقل مردم خسته از آشوب‌ها رشد یافته و دروازه حقیقت بر روی آنان گشایش یابد. مردم آن زمان، با بصیرتی که خواهند یافت، فوراً امام زمان خود را شناخته و به او ایمان می‌آورند. بدین سان، بخش قابل توجه مردم از شراره آتش جنگ نجات یافته و به جاده سعادت رهسپار می‌شوند.

شیخ مفید از حدیثه یمانی روایت کرده است که گفت: از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم

می‌فرمود:

هنگام آمدن قائم گوینده‌ای از آسمان بانگ می‌زند: «ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسیده و بهترین شخص امت محمد صلی الله علیه و آله متولی امر شده است. در مکه به وی ملحق شوید». آن‌گاه نجبا از مصر و ابدال از شام و دسته‌هایی از مردم عراق که شب‌ها را به عبادت مشغول و روزها همچون شیر می‌باشند و دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است، می‌آیند و بین رکن و مقام، با وی بیعت می‌کنند.^۲ طریحی می‌گوید:

ابدال، گروهی از صالحین هستند که زمین از وجود آنان خالی نیست. وقتی یکی از آنان بمیرد، خداوند آن را به دیگری تبدیل می‌کند. و از قاموس نقل می‌کند که خداوند، به وسیله آنان، زمین را نگه می‌دارد، و آن‌ها هفتاد نفرند که چهل نفرشان در شام و سی نفر در دیگر بلاد هستند. هیچ یک از آنان نمی‌میرد مگر این که جای آنان، دیگری می‌آید.^۳

۱. «عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام قُلْتُ: خَاصُّ أَوْ عَامٌّ؟ قَالَ: عَامٌّ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ يَلْسَانَهُمْ»؛ «در کمال الدین از زراره روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: موقع ظهور صدا زنده‌ای قائم علیه السلام را به اسم نام می‌برد. پرسیدم: این صدا برای افراد خاصی است یا عمومی است؟! فرمود: عمومی است و هر ملتی به زبان خود آن را می‌شنوند». علامه مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ح ۳۵، ص ۲۰۵.

۲. «إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ قَطِّعْ عَنْكُمْ مَدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَ وَلِيَ الْأَمْرِ خَيْرٌ أُمَّهُ مُحَمَّدٌ فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ فَيَخْرُجُ النَّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ رَهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ»؛ شیخ مفید، اختصاص، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۳۳ق، ص ۲۰۸.

۳. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ق، «الأبدال: قوم من الصالحین لا تخلو الدنیا منهم إذا مات واحد أبدل الله مكانه آخر. و فی القاموس الأبدال: قوم یقیم الله بهم الأرض»

و در کتاب *الخرائج و الجرائح* از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هنگامی که قائم ظهور می کند، دست خود را روی سر مردم می گذارد و بدان وسیله عقول آنها جمع و افکارشان کامل می گردد». ^۱ پس با رشد فکری مردم خطری حقوق انسانی را تهدید نخواهد کرد و زندگی، سیر طبیعی خود را خواهد داشت.

گفتار پنجم: پس از فتح جهان

ممکن است برخی از تفکر مهدویت احساس خطر کنند و بگویند: این اندیشه در پی سیطره جهانی است و وحدت اعتقادی را بر مردم جهان تحمیل می نماید، در نتیجه آزادی عقیده از جامعه جهانی رخت بر بسته و حقوق بشری از این جهت مخدوش می گردد؛ چون در صورت مخالفت، با تیغ بران مهدی مواجه شده و جان خود را دست خواهد داد که این نمونه دیگری از نادیده گرفته شدن حقوق بشر دوستانه می باشد.

جواب این شبهه هم خیلی روشن است. وقتی عقل مردم جهان کامل شد، در رویارویی با دعوت مهدی آخر الزمان علیه السلام تسلیم شده و با رغبت یا میل باطنی پذیرای مکتب مهدویت و مجذوب آن می گردند. وقتی اقبال با اختیار و از روی طیب نفس باشد، دیگر تحمیلی نخواهد بود و این، بهترین خدمت برای نجات انسان ها می باشد؛ اما تعداد اندک باقی مانده مجازات می شوند و کیفر آنان مطابق موازین حقوقی خواهد بود؛ به این دلیل که سرکوب گناه کاران در هر نظام، امری طبیعی بوده و هیچ نظامی عقیده مخرب باطل را در قلمرو خود تحمل نمی کند. در واقع، برخورد با آنان در راستای خدمت به جامعه صورت می گیرد، نه این که از روی ظلم و ستمگری باشد.

بنابراین اگر آموزه مهدویت به طور درست تبیین شود و تمام جوانب آن مورد

.....→

و هم سبعون، أربعون بالشام و ثلاثون بغيرها، لا يموت أحدهم إلا قام مقامه آخر من سائر الناس». ۱. «عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»؛ قطب الدین راوندی، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۴۰.

تأمل قرار گیرد، بخش‌های خاص آن، بزرگنمایی نشود و قسمت‌های عمده آن به زبان روز بیان شود، نه تنها راهکاری در جهت تأمین حقوق بشر دوستانه است که حتی احتمال روی آوری جهانی به اصل دین و مقبولیت آن فزونی خواهد یافت. و بشریت در پرتو آن، به آرامش خواهند رسید. به این علت که در این آموزه، هیچ موردی را نمی‌یابیم که به فتنه‌انگیزی و کشتار بی‌گناهان دستور داده شده باشد و به مهدی یاوران سفارش کند که روحیه انتقام‌جویی، کینه‌توزی، ایجاد خشم و نفرت را در خود تقویت کنند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

ای ابا خالد! مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان، مانند مجاهدان پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است. آنان، مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند.^۱

دعوت به دین، مکتب و آرمان‌های عالی از ویژگی‌های انسانی است. و همه طبق عقیده خود هم این کار را انجام می‌دهند. مهم این است که ارشاد و هدایت در جهت صواب و مصونیت باشد، نه تفکر الحادی و گمراهی. بدین ترتیب در یک جمع بندی کلی تأمین حقوق بشر دوستانه را در آموزه مهدویت می‌توان چنین خلاصه کرد: با در پیش گرفتن رفتار و اخلاق نیکو و اجتناب از حضور در میدان آشوب‌ها و انتظار فرج امام عصر علیه السلام، امکان تأمین حقوق بشر دوستانه میسر خواهد بود.

در صورت باقی ماندن بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، تکیه بر آموزه‌های دینی، وفاداری به تمام عهد‌ها و حفظ اصول کلی شریعت، می‌توان حافظ حقوق بشر دوستانه هم بود. شناخت به موقع امام زمان، تسلیم و پذیرش دعوت منجی (که هم‌زمان با رشد خرد جمعی بوده و دعوت، همراه با ندای هاتف غیبی است) موجب حفظ حقوق بشر دوستانه می‌شود.

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۲۰.

اشتیاق شدید مردم به صلح و امنیت جهانی باعث میل باطنی آنان به پذیرش عقاید امام مهدی علیه السلام شده و در نهایت آزادی و اختیار صورت خواهد گرفت و بدین سان کرامت انسانی به شایسته‌ترین شکل خود محقق می‌شود.

نتیجه

برای اثبات فرضیه پژوهش مبنی بر تأمین حقوق بشردوستانه در آموزه مهدویت نگاهی گذرا به حقوق بشردوستانه بین‌المللی انداختیم. نتیجه این مطالعات نشان می‌دهد که حقوق بشردوستانه، به دنبال احساس نیاز شدید به استقرار صلح و کاهش آلام بشری که ناشی از وقوع منازعات می‌باشد، وارد عرصه حقوق بین‌الملل شد. کشورهای جهان، با مساعدت سازمان ملل، مقرراتی را در قالب چهار کنوانسیون و دو پروتکل برای این حقوق وضع کرده‌اند. الزامات عرفی، معاهداتی و دادگاه کیفری بین‌المللی، ضمانت اجرای این حقوق را عهده دار است. اهداف آموزشی آن، ضمن الزاماتی که برای کشورها در نظر گرفته شده، با برپایی همایش‌هایی تحت همین عنوان در کشورهای مختلف دنبال می‌شود؛ ولی تمام این راهکارها در حدی نبوده و نیست که توان حل معضلات کلان جهانی را داشته باشد؛ بنابراین، طرح عمیق‌تر می‌خواهد که با آموزه‌های راهبردی مناسب از پس این خاست جهانی برآید.

آموزه مهدویت، از جهت این که ریشه در ادیان بزرگ تاریخی دارد و در اسلام به شکل برجسته تبلور یافته است، الگوی بی‌بدیل در این زمینه می‌باشد. با جا انداختن این آموزه، حقوق بشردوستانه به شایسته‌ترین شکل ممکن برآورده خواهد شد؛ به این دلیل که بخش اعظم آموزه مهدویت به دوره انتظار منجی مربوط می‌شود. بحران‌های جهانی که به جنگ می‌انجامد هم در این دوره واقع می‌شود. طرح راهبردی آموزه مهدویت برای حفظ کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه به تناسب مقاطع و برهه‌های زمانی، متفاوت خواهد بود. همان‌گونه که عرض شد، در عصر انتظار، با کناره‌گیری از ورود به صحنه‌های نبرد التزام به رفتار و اخلاق نیکو،

در آستانه ظهور و با حفظ سنت پیامبر ﷺ و اصول شریعت اسلام در هنگامه ظهور، با پذیرش دعوت مهدی علیه السلام و پیوستن به سپاه منجی جهانی، می شود از زیان های جنگ و وقوع فاجعه بزرگ جلوگیری کرد. در توجیه روایاتی که ایجاد اخافه می کند و از قتل های انبوه سخن می راند، می توان گفت: اولاً: ممکن است به صدور قطعی آنان خدشه شود و ثانياً: قطعی الدلاله هم نمی باشد. چه کسی می تواند صد در صد مطمئن باشد که حتماً موارد آنها محقق می گردد؟! زیرا دست کم چهار آیه قرآن کریم^۱ به ظهور امام مهدی علیه السلام تفسیر شده و هیچ کدام، مفهوم آن روایات را تداعی نمی کند؛ پس با وجود این آیات، نمی توان مطلقاً به مفهوم روایات تمسک کرده و صحنه های رعب آور برای پایان تاریخ ترسیم نمود.

۱. انبیاء (۲۱): ۱۰۵، حج (۲۲): ۴۱، نور (۲۴): ۵۵، و قصص (۲۸): ۵.

وحدت جهان اسلام؛ چشم‌انداز آینده

دکتر سید یحیی صفوی

به کوشش: سید جواد میر خلیلی

تاریخ تحویل: ۱۳۸۷/۸/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۲/۲۲

چکیده

این نوشتار، به تبیین دانش «آینده‌پژوهی» و چشم‌اندازهای فراروی جهان اسلام و گزارش و بررسی کتاب وحدت جهان اسلام با چشم‌انداز آینده می‌پردازد. این کتاب، توسط دکتر سید یحیی صفوی تدوین شده و در برگرفته چهار فصل و سه ضمیمه است که در این نوشتار، مهم‌ترین مباحث آن را ارزیابی خواهیم کرد. کلیدواژه‌ها: آینده‌شناسی، هم‌گرایی، جهان اسلام.

مقدمه

مسلم است که یاری گرفتن از باورها و ارزش‌های اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری وحدت و همگرایی میان کشورهای اسلامی است. در حقیقت، با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترک، زمینه بهره‌جویی از ظرفیت‌های موجود جهان اسلام به منظور حفظ و ارتقای منافع مسلمین، امکان پذیر می‌شود. به نظر می‌رسد مواردی را می‌توان در زمره ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اصلی جهان اسلام قرار داد؛ از جمله:

۱. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورهای اسلامی؛ به گونه‌ای که کشورهای اسلامی از نظر ژئوپلیتیک، حساس و بر نظام جهانی تأثیرگذار هستند. همچنین می‌توان ادعا کرد این کشورها، از قلمرو جغرافیایی وسیع و جمعیتی